

گفت آن چه یافت می نشود، آنم آرزوست

گزارشی از سومین جشنواره کتاب‌های برتر کودک و نوجوان

یوسف ثانی



سومین جشنواره کتاب‌های برتر کودک و نوجوان، ششم شهریورماه ۱۳۸۷ شمسی، مصادف با ۲۸ آگوست ۲۰۰۸ میلادی، با تقدیر از برگزیدگان کتاب‌های منتشره اعضای انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان که در سال ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار گرفته است، به کار خود پایان داد. در این جشنواره که در ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸، در محل مرکز همایش‌ها، سالن یوسف شریعت زاده، در کتابخانه ملی ایران برگزار شد، داوران هیچ یک از آثار رسیده را واجد شرایط انتخاب به عنوان «کتاب برتر» تشخیص ندادند.

برنامه با اجرای سرود ملی، توسط گروه کر روستا به رهبری صابر جعفری و سپس تلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز شد و بعد از خیر مقدم به نویسندگان، فعالان نشر و حاضران، از دبیر سومین جشنواره کتاب برتر کودک و نوجوان، محمدرضا توکل صدیقی، دعوت شد تا به سخنرانی بپردازد. وی بعد از ادای احترام و خیر مقدم درباره روند رو به رشد جشنواره سوم و وجه تمایز آن با سایر جشنواره‌ها گفت: «برگزاری جشنواره در این فصل، با مشکلاتی همراه است، ولی چون سابق بر این جشنواره در شهریور برگزار شده بود و علی رغم تداخل این مراسم با سایر جشنواره‌ها و مسافرت برخی دوستان، تصمیم گرفتیم امسال هم همین طور باشد. در دوره اول و دوم، ما از کتاب‌های اعضای انجمن شروع کردیم و امسال هم کار را با کتاب‌های اعضای انجمن ادامه دادیم. دوره اول و دوم برای ما نقطه شروع بود که با تعریف اهداف و سامان‌دهی برنامه‌ها آغاز و سپس باعث شد به وجه تمایز این جشنواره با جشنواره‌های دیگر برسیم که آن هم پیش‌گیری از موازی



محمدرضا توکل صدیقی

کاری و تکرار جشنواره‌های دیگر بود و به نتیجه رسیدیم که در کنار توجه به متن و تصویر در تولید کتاب کودک، توجه به مدیریت ناشر در فرایند تولید کتاب هم از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این همان وجه تمایز جشنواره ما با سایر جشنواره‌هاست و باعث شد با توجه به عملکرد ناشران، در صدد ارتقای کیفیت تولید کتاب هم قدم برداریم.»

توکل ادامه داد: «در جشنواره سوم، کاری که ما شروع کردیم، برگزاری جلسات کارشناسی در حوزه متن و تصویر و کتاب‌سازی از خرداد ماه بود و سعی کردیم ضوابط و آیین‌نامه داوران را تنظیم و تدوین کنیم تا داوران، با توجه به سر فصل‌های تعریف شده و امتیازات در نظر گرفته شده، به ارزیابی بپردازند و از این طریق کمتر شاهد تاثیر گذاری سلیقه‌ها در نتیجه آرا باشیم. ما با بررسی ضوابط و آیین‌نامه‌های سایر جشنواره‌ها، مثل کتاب سال، جشنواره رشد، جشنواره شهید حکیم و حتی سایر تشکلهای مثل شورای کتاب کودک، سعی کردیم به جمع بندی نقاط قوت و نکات قابل استفاده بپردازیم و بعد از تمام این مراحل، امروز شاهد در دست داشتن آیین‌نامه مدونی هستیم که در طول جشنواره سوم باز هم مورد ارزیابی قرار گرفت تا در سال‌های آینده مجدداً اصلاح و به روز شود.»

دبیر جشنواره، تغییر شکل گروه داوران را نوعی سنت شکنی در روند دو جشنواره قبلی دانست و افزود: «از نقاط قوت جشنواره سوم، تشکیل چهار گروه داوران است که در دوره‌های گذشته کار در یک گروه جامع داوران انجام می‌شد و هیأتی متشکل از چندین کارشناس متن و ادبیات و دو نفر تصویرگر به همراه یک ناشر، کارها را به صورت مشترک بررسی می‌کردند. در حالی که امسال با تشکیل چهار گروه، داوران به بررسی آثار رسیده پرداختند و دو گروه اول و دوم در قالب متن فعالیت کردند و از بین این دو گروه هم، یک گروه به بررسی کتاب‌های ادبی و داستانی و گروه دیگر به کتاب‌های غیر داستانی شامل کتاب‌های علمی آموزشی پرداختند. گروه سوم، گروه تصویرگری و گرافیک بود و گروه آخر، گروه مدیریت نشر که به نقش ناشر در تولید کتاب توجه می‌کرد که در سال‌های آینده به بسط آن خواهیم پرداخت.»

توکل با اشاره به ضعف صنعت نشر در ایران، ناشران را به شناخت جایگاه واقعی و ارائه عملکرد صحیح تر ترغیب کرد و گفت: «ما می‌دانیم که تولید کتاب یک فرایند است که نویسنده، تصویرگر و سایر عوامل در این فرایند نقش ایفا می‌کنند و این فرایند، نیازمند مدیریت صحیح است که ناشر بر عهده دارد. یکی از نقاط ضعف صنعت نشر ما در این است که گاهی ناشران، نقش خود را به درستی نمی‌شناسند و یا به صراحت این نقش تعریف نشده است.» وی خاطر نشان کرد: «نظر نیازسنجی، مخاطب‌شناسی، انتخاب موضوع مناسب، ارتباط با نویسنده و مترجم توانمند و خود موضوع، آماده‌سازی کتاب به لحاظ فرهنگی، ویراستاری، حروف چینی، استفاده از تصویرگر مناسب، انتخاب قطع مطلوب، کیفیت کاغذ و جلد، چاپ کتاب، اطلاع رسانی و تبلیغات، توزیع مطلوب و... همگی مسائلی است که به مدیریت منسجم و آگاه نیاز دارد. هرچه تعریف مراحل فوق دقیق‌تر باشد و در بررسی کتاب‌ها بیشتر لحاظ شود، اهمیت بیشتری از ارائه نقش درست و مطلوب توسط ناشر را نشان خواهد داد و ایشان را متوجه رسالت و مسئولیتی که در فرایند تولید کتاب دارند، می‌کند.»

توکل، رویکرد خاص جشنواره سوم را توجه به ناشران دانست و افزود: «اگر چه در تمام جشنواره‌ها به نویسنده و تصویرگر توجه می‌کنند، ما سعی کردیم در این جشنواره علاوه بر موارد مذکور، به نقش سایر عوامل مثل ناشر توجه خاصی داشته باشیم و ما لوح تقدیر را به ناشر تقدیم می‌کنیم و این جشنواره هم اگرچه جشنواره ناشران است، ولی این به معنای کم توجهی به سایر عوامل نیست و ما در ارزیابی کتاب خوب، به کار تمام عوامل با لحاظ امتیازاتی توجه کردیم.»

وی در ادامه، نظریات و پیشنهادهای هیأت داوران را که حاصل نظرسنجی شخص خود او از داوران بود، به اطلاع حضار رساند و گفت: «من از سیزده نفر داوران که در قالب چهار گروه در مدت یک‌ماه کار داوران را انجام دادند، تشکر می‌کنم. در این‌جا جمع بندی داوران را نسبت به وضعیت فعلی کتاب کودک در این جشنواره، مطرح می‌کنیم؛

۱- مجموعه‌های شعر کودک، پیش از آن‌که شعر باشند، نقدهای تعلیمی و آموزشی‌اند و مجموعه شعرهای نوجوان، از

توکل:

امسال با تشکیل

چهار گروه،

داوران به بررسی

آثار رسیده

پرداختند و دو گروه

اول و دوم

در قالب متن

فعالیت کردند و

از بین این

دو گروه هم، یک

گروه به بررسی

کتاب‌های ادبی و

داستانی و گروه

دیگر به کتاب‌های

غیر داستانی

شامل کتاب‌های

علمی آموزشی

پرداختند.

گروه سوم،

گروه تصویرگری

و گرافیک بود و

گروه آخر،

گروه مدیریت نشر

که به نقش ناشر

در تولید کتاب

توجه می‌کرد



پرویز:

در حال حاضر ادبیات
کودک و نوجوان
ما جزو سالم‌ترین
بخش‌های ادبی و
فرهنگی است و
آثار منتشره معمولاً
با روانی متن و
مناسب‌نویسی
همراه است و
تصویرگران
کارهای قابل قبولی
ارائه می‌کنند و
ناشران هم
عموماً ناشران
کاربلد و متخصص
هستند

سرگردانی بین شعر کودک و بزرگسال رنج می‌برند که جا دارد شاعران این حوزه، توجه بیشتری به مخاطب خود داشته باشند.
۲ - داستان‌نویسان جدی از شاعران نیز کم‌ترند و نویسندگان کم‌تر حوصله نوشتن رمان کودک و نوجوان را دارند. البته در یکی - دو رمان منتشر شده در سال ۸۶، نشانه‌هایی از نوآوری و حوصله به چشم می‌خورد، اما داستان‌های کودک متأسفانه قابل تأمل نبودند.

۳ - ترجمه، اما انصافاً حرفی برای گفتن داشت؛ البته ترجمه‌هایی که بیشتر در حوزه رمان بودند.

هم‌چنین، داوران در زمینه مشکلات و کمبودهای کتاب‌های علمی و آموزشی نیز گفتند:

۱ - تالیف کتاب‌های علمی آموزشی، معمولاً از ترجمه و انتشار آثاری پیروی می‌کند که مشابه آن‌ها در بازار بسیار است.

۲ - بهره‌گیری از ویراستاران علمی کاردان و آشنا به کتاب‌های درسی، در آثار دریافتی کم‌تر وجود دارد.

۳ - کتاب‌های علمی چاپ شده که از تصاویر با کیفیتی برخوردار باشند کم‌تر دیده شده است و از آن‌جا که بیشتر کتاب‌های علمی ما ترجمه هستند و ناشران با توجه به محدودیت‌ها، همان عکس‌ها را اسکن و چاپ مجدد می‌کنند، شاهد افت کیفیت تصاویر هستیم.

۴ - به کارگیری کارشناسان با تجربه در نگارش و ترجمه دانش‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان باید مورد توجه قرار گیرد.

۵ - فرهنگ بومی و نیازهای دانش‌آموزان در گزینش کتاب را باید در اولویت قرار دهیم.

۶ - موضوعات جدید یا موضوعاتی که کم‌تر به آن‌ها پرداخته شده است، مثل تاریخ فرهنگی ایران، تاریخ معاصر ایران... نیز حائز اهمیتند.

۷ - کتاب‌های علمی آموزشی ویژه خردسالان و نوآموزان نیز باید مورد توجه قرار بگیرند.

داوران سومین جشنواره کتاب برتر کودک و نوجوان، با گله‌مندی از کم‌توجهی به گرافیک و تصویرگری آثار، موارد ذیل را حائز اهمیت دانستند:

به کار گرافیک توجه لازم نشده بود و انتخاب تصاویر گرافیکی مناسب، کم‌تر به چشم می‌خورد؛ یعنی با کتاب‌هایی مواجه بودیم که به لحاظ متن قوی، ولی از لحاظ تصویر مناسب نبودند و یا بالعکس و چقدر ضرورت دارد که ناشری که متنی قوی را انتخاب می‌کند، تصاویر مناسبی هم برای متن تولید کند. از پیشنهادات مهم، این‌که ناشران سعی کنند یک ماکت ابتدایی برای کتاب بسازند که این روشی حرفه‌ای برای این است که مشخص کنیم یک کتاب به چه تعداد تصویر، صفحه، چه نوعی از فونت و... نیاز دارد که اگر در ماکت ابتدا بررسی شود، مسلماً کار بهتری ارائه خواهد شد.»

در خاتمه، توکل گفت: «در حوزه کتاب‌سازی هم دوستان انتقاد کردند که در مجموع کیفیت کتاب‌ها خوب بوده، ولی در برخی کتاب‌ها خلاقیت و نوآوری بیشتر بود که امیدواریم این عناصر در کنار کیفیت مطلوب چاپ مورد توجه قرار بگیرد.»

سپس محسن پرویز، معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر نقش ناشر، گفت: «کتاب برآیند فعالیت مشترک نویسنده، تصویرگر و سایر عوامل فنی چاپ است که با مدیریت ناشر انجام می‌گیرد و این همان شکل



مهدی حجوانی

ایده آلی است که در صورت انجام وظایف درست از سوی عوامل کتاب، به موفقیت خواهد رسید و مخاطب را برای خواندن جذب می‌کند. بسیار می‌شنوم از افرادی که بدون اطلاع از مسائل کمی، می‌گویند کتاب‌های خارجی دارای جذبه بیشتری برای همراهی مخاطب هستند تا کتاب‌های داخلی. در واقع نقص از مدیریت سایر عوامل است که به وظایف خود عمل نمی‌کنند. دوستانی که کتاب را از دیدگاه جامع بررسی می‌کنند، می‌دانند کتاب فقط حاصل نگارش نویسنده و یا تصاویر آن نیست و همه این عوامل کنار هم است که مخاطب را به سمت خود می‌کشد و نکته دیگر این که این ناشر است که به عنوان رهبر این گروه، باید آگاه و متخصص در انجام وظیفه باشد.»

محسن پرویز با اشاره به لطمه‌های وارده به این صنعت از سوی ناشران غیر حرفه‌ای و حتی خود نویسندگان هشدار داد و گفت: «وجود ناشران غیر حرفه‌ای فراوان در بازار نشر در حال حاضر، موجبات بروز لطمات غیرقابل جبرانی به صنعت نشر کشور شده است تا جایی که ناشر از مؤلف پول می‌گیرد تا کتاب او را چاپ کند و بعد توزیع کتاب را بر گردن مؤلف می‌اندازد و این در حالی است که تالیف و نشر دو حرفه مجزاست که با هم هم‌خوانی ندارد. این درست است که تصویرگر می‌تواند نویسنده باشد، ولی چه ضرورتی دارد که نویسنده وارد عرصه نشر شود و یا بدتر از آن پول بدهد تا کتابش چاپ شود و چرا نشر را به عنوان یک حرفه جداگانه در نظر نمی‌گیریم؟ روزی نیست که نامه‌ای به من نرسد با این مضمون که طرف فرش زیر پای خود را فروخته است تا کتابش چاپ شود و حالا این کتاب‌ها انبار شده و از ما کمک می‌خواهد که برای توزیع آن‌ها فکر کنیم. دلیل بروز این اتفاقات چیست و آیا این موضوعات به نشر لطمه خواهد زد؟ تا زمانی که نشر به صورت حرفه‌ای دنبال نشود و حرفه نشر مستقلاً تعریف نشود، بروز این موارد اجتناب

ناپذیر است.»

وی در بیان راهکار برای جلوگیری از گسترش نابسامانی در صنعت نشر افزود: «برای ما قابل درک است که هر کس که قلم در دست گرفته و نوشته است، می‌داند تعلق خاطری که نویسنده به اثر خود دارد، جلوی چشمش را می‌گیرد و مانع شناسایی ضعف‌های اثرش می‌شود. پس ارزیابی ناشر از کتاب باید بر همین اساس صورت بگیرد و ناشر باید کتاب را ارزیابی کند و نظر دهد. ناشر برای ارزیابی از کارشناسان استفاده می‌کند و هم از لحاظ کیفی و هم از نظر بازار نشر به بررسی موقعیت فعلی کتاب در بازار می‌پردازد. سپس بازرگانی بعد از تولید را ارزیابی می‌کند و حال آن که خروج از این مینا باعث بروز گرفتاری است و این گرفتاری‌ها سلسله‌وار تکرار می‌شوند. ما امیدوار بودیم بعد از حذف یارانه‌های کاغذ که به نظر انگیزه‌های قوی برای تقاضای نشر بود، بازار بهبود یابد و بعد از حذف افراد با نیت‌های غیر از حرفه نشر، با کاهش تقاضا روبه رو شویم که این اتفاق نیفتاد.»

معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تقدم ترجمه بر تألیف را از دیگر ضعف‌هایی دانست که مسئولان نقش بسزایی در ایجاد آن دارند و ادامه داد: «پیشی گرفتن ترجمه بر تألیف هم ضعف دیگری است که با آن مواجه هستیم، یعنی کیفیت آثار ترجمه شده، از آثار تألیفی بیشتر است. در اوج شکوفایی ادبیات کودک و نوجوان، ما شاهد ظهور مولفانی بودیم که بعد از برگزاری جلسات نقد و بررسی فراوان در گوشه و کنار کشور و مجلات مختلف و بعد از پالایش نظریات و نقدها، حاصل عملکرد خود را به صورت کتاب ارائه می‌کردند و کتاب‌ها بسیار وزین بودند و به گمان من کتاب‌های خوبی که در سال‌های ۶۵ تا ۷۵ چاپ شد، قابل رقابت حتی در عرصه جهانی هم و با وجود ضعف‌های کتاب‌سازی به لحاظ محتوا و تصویرگری، باز هم ارزشمند است، اما امروز اگرچه به لحاظ عدد و رقم، ترجمه و تالیف ما یکسان است، اما توجه به ترجمه بر تألیف پیشی گرفته است.»

وی اتحاد همگانی بین تمام اعضای این صنعت را یکی از راهکارها برای حل مشکل تألیف دانست و گفت: «مؤلفان دست به قلم شوند و با هوش و توان بیشتری بنویسند و ناشران با نگاه فرهنگی، نه صرفاً اقتصادی به تشویق مؤلفان برای تولید آثار مثبت بپردازند باید با در نظر گرفتن سرمایه بیشتر برای تالیف که موضوعی ملی است، به این امر کمک کنیم. به لطف خدا در حال حاضر ادبیات کودک و نوجوان ما جزو سالم‌ترین بخش‌های ادبی و فرهنگی است و آثار منتشره معمولاً با روانی متن و مناسب‌نویسی همراه است و تصویرگران کارهای قابل قبولی ارائه می‌کنند و ناشران هم عموماً ناشران کاربلد و متخصص هستند و جزو بهترین و پاک‌ترین بخش‌های فرهنگی ما همین ادبیات کودک و نوجوان است. این که ما ضعف‌ها را بیان کردیم، به معنای ندیده گرفتن بخش‌های مثبت نیست، ولی هنوز جای کار بیشتر برای آفرینش آثار بهتر

حجوانی:
فراز و نشیب‌های شعر،
دستوری نیست و با
ظهور و افول شاعران
اتفاق می‌افتد، ولی
دست کم با نگاه جدید
و آزادتر و با مخاطب
شناسی به صورت
غیررسمی و مردمی،
برگزاری جلسات نقد
و بررسی شعر، درک
متقابل نسل‌ها و با نقد
مکتوب و با اصالت
بخشیدن به زیبایی
در مقابل آموزش و
آموختن از تجربه‌های
تاریخی دیگر کشورها،
مطمئنانه شاهد تحولات
بهتری در زمینه شعر
کودک خواهیم بود.



پرویز:
در حال حاضر ادبیات
کودک و نوجوان
ما جزو سالم‌ترین
بخش‌های ادبی و
فرهنگی است و
آثار منتشره معمولاً
در پالایش،
روانی متن و
مناسب‌نویسی
همراه است و
تصویرگران
کارهای قابل قبولی
ارائه می‌کنند و
ناشران هم
عموما ناشران
کاربلد و متخصص
هستند

سرگردانی بین شعر کودک و بزرگسال رنج می‌برند که جا دارد شاعران این حوزه، توجه بیشتری به مخاطب خود داشته باشند.
۲ - داستان‌نویسان جدی از شاعران نیز کم‌ترند و نویسندگان کم‌تر حوصله نوشتن رمان کودک و نوجوان را دارند. البته در یکی - دو رمان منتشر شده در سال ۸۶، نشانه‌هایی از نوآوری و حوصله به چشم می‌خورد، اما داستان‌های کودک متأسفانه قابل تأمل نبودند.

۳ - ترجمه، اما انصافاً حرفی برای گفتن داشت؛ البته ترجمه‌هایی که بیشتر در حوزه رمان بودند. هم‌چنین، داوران در زمینه مشکلات و کمبودهای کتاب‌های علمی و آموزشی نیز گفتند:

۱ - تالیف کتاب‌های علمی آموزشی، معمولاً از ترجمه و انتشار آثاری پیروی می‌کند که مشابه آن‌ها در بازار بسیار است.
۲ - بهره‌گیری از ویراستاران علمی کاردان و آشنا به کتاب‌های درسی، در آثار دریافتی کم‌تر وجود دارد.
۳ - کتاب‌های علمی چاپ شده که از تصاویر با کیفیتی برخوردار باشند کم‌تر دیده شده است و از آن‌جا که بیشتر کتاب‌های علمی ما ترجمه هستند و ناشران با توجه به محدودیت‌ها، همان عکس‌ها را اسکن و چاپ مجدد می‌کنند، شاهد افت کیفیت تصاویر هستیم.

۴ - به کارگیری کارشناسان با تجربه در نگارش و ترجمه دانش‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان باید مورد توجه قرار گیرد.

۵ - فرهنگ بومی و نیازهای دانش‌آموزان در گزینش کتاب را باید در اولویت قرار دهیم.

۶ - موضوعات جدید یا موضوعاتی که کم‌تر به آن‌ها پرداخته شده است، مثل تاریخ فرهنگی ایران، تاریخ معاصر ایران... نیز حائز اهمیتند.

۷ - کتاب‌های علمی آموزشی ویژه خردسالان و نوآموزان نیز باید مورد توجه قرار بگیرند.

داوران سومین جشنواره کتاب برتر کودک و نوجوان، با گله‌مندی از کم‌توجهی به گرافیک و تصویرگری آثار، موارد ذیل را حائز اهمیت دانستند:

به کار گرافیک توجه لازم نشده بود و انتخاب تصاویر گرافیکی مناسب، کم‌تر به چشم می‌خورد؛ یعنی با کتاب‌هایی مواجه بودیم که به لحاظ متن قوی، ولی از لحاظ تصویر مناسب نبودند و یا بالعکس و چقدر ضرورت دارد که ناشری که متنی قوی را انتخاب می‌کند، تصاویر مناسبی هم برای متن تولید کند. از پیشنهادات مهم، این‌که ناشران سعی کنند یک ماکت ابتدایی برای کتاب بسازند که این روشی حرفه‌ای برای این است که مشخص کنیم یک کتاب به چه تعداد تصویر، صفحه، چه نوعی از فونت و... نیاز دارد که اگر در ماکت ابتدا بررسی شود، مسلماً کار بهتری ارائه خواهد شد.»

در خاتمه، توکل گفت: «در حوزه کتاب‌سازی هم دوستان انتقاد کردند که در مجموع کیفیت کتاب‌ها خوب بوده، ولی در برخی کتاب‌ها خلاقیت و نوآوری بیشتر بود که امیدواریم این عناصر در کنار کیفیت مطلوب چاپ مورد توجه قرار بگیرد.»

سپس محسن پرویز، معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر نقش ناشر، گفت: «کتاب برآیند فعالیت مشترک نویسنده، تصویرگر و سایر عوامل فنی چاپ است که با مدیریت ناشر انجام می‌گیرد و این همان شکل



مهدی حجوانی

ایده آلی است که در صورت انجام وظایف درست از سوی عوامل کتاب، به موفقیت خواهد رسید و مخاطب را برای خواندن جذب می‌کند. بسیار می‌شنوم از افرادی که بدون اطلاع از مسائل کمی، می‌گویند کتاب‌های خارجی دارای جذبه بیشتری برای همراهی مخاطب هستند تا کتاب‌های داخلی. در واقع نقص از مدیریت سایر عوامل است که به وظایف خود عمل نمی‌کنند. دوستانی که کتاب را از دیدگاه جامع بررسی می‌کنند، می‌دانند کتاب فقط حاصل نگارش نویسنده و یا تصاویر آن نیست و همه این عوامل کنار هم است که مخاطب را به سمت خود می‌کشد و نکته دیگر این که این ناشر است که به عنوان رهبر این گروه، باید آگاه و متخصص در انجام وظیفه باشد.»

محسن پرویز با اشاره به لطمه‌های وارده به این صنعت از سوی ناشران غیر حرفه‌ای و حتی خود نویسندگان هشدار داد و گفت: «وجود ناشران غیر حرفه‌ای فراوان در بازار نشر در حال حاضر، موجبات بروز لطمات غیرقابل جبرانی به صنعت نشر کشور شده است تا جایی که ناشر از مؤلف پول می‌گیرد تا کتاب او را چاپ کند و بعد توزیع کتاب را بر گردن مؤلف می‌اندازد و این در حالی است که تالیف و نشر دو حرفه مجزاست که با هم هم‌خوانی ندارد. این درست است که تصویرگر می‌تواند نویسنده باشد، ولی چه ضرورتی دارد که نویسنده وارد عرصه نشر شود و یا بدتر از آن پول بدهد تا کتابش چاپ شود و چرا نشر را به عنوان یک حرفه جداگانه در نظر نمی‌گیریم؟ روزی نیست که نامه‌ای به من نرسد با این مضمون که طرف فرش زیر پای خود را فروخته است تا کتابش چاپ شود و حالا این کتاب‌ها انبار شده و از ما کمک می‌خواهد که برای توزیع آن‌ها فکر کنیم. دلیل بروز این اتفاقات چیست و آیا این موضوعات به نشر لطمه خواهد زد؟ تا زمانی که نشر به صورت حرفه‌ای دنبال نشود و حرفه نشر مستقلاً تعریف نشود، بروز این موارد اجتناب

ناپذیر است.»

وی در بیان راهکار برای جلوگیری از گسترش نابسامانی در صنعت نشر افزود: «برای ما قابل درک است که هر کس که قلم در دست گرفته و نوشته است، می‌داند تعلق خاطری که نویسنده به اثر خود دارد، جلوی چشمش را می‌گیرد و مانع شناسایی ضعف‌های اثرش می‌شود. پس ارزیابی ناشر از کتاب باید بر همین اساس صورت بگیرد و ناشر باید کتاب را ارزیابی کند و نظر دهد. ناشر برای ارزیابی از کارشناسان استفاده می‌کند و هم از لحاظ کیفی و هم از نظر بازار نشر به بررسی موقعیت فعلی کتاب در بازار می‌پردازد. سپس بازرگانی بعد از تولید را ارزیابی می‌کند و حال آن که خروج از این مینا باعث بروز گرفتاری است و این گرفتاری‌ها سلسله‌وار تکرار می‌شوند. ما امیدوار بودیم بعد از حذف یارانه‌های کاغذ که به نظر انگیزه‌های قوی برای تقاضای نشر بود، بازار بهبود یابد و بعد از حذف افراد با نیت‌های غیر از حرفه نشر، با کاهش تقاضا روبه رو شویم که این اتفاق نیفتاد.»

معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تقدم ترجمه بر تألیف را از دیگر ضعف‌هایی دانست که مسئولان نقش بسزایی در ایجاد آن دارند و ادامه داد: «پیشی گرفتن ترجمه بر تألیف هم ضعف دیگری است که با آن مواجه هستیم، یعنی کیفیت آثار ترجمه شده، از آثار تألیفی بیشتر است. در اوج شکوفایی ادبیات کودک و نوجوان، ما شاهد ظهور مولفانی بودیم که بعد از برگزاری جلسات نقد و بررسی فراوان در گوشه و کنار کشور و مجلات مختلف و بعد از پالایش نظریات و نقدها، حاصل عملکرد خود را به صورت کتاب ارائه می‌کردند و کتاب‌ها بسیار وزین بودند و به گمان من کتاب‌های خوبی که در سال‌های ۶۵ تا ۷۵ چاپ شد، قابل رقابت حتی در عرصه جهانی هم و با وجود ضعف‌های کتاب‌سازی به لحاظ محتوا و تصویرگری، باز هم ارزشمند است، اما امروز اگرچه به لحاظ عدد و رقم، ترجمه و تالیف ما یکسان است، اما توجه به ترجمه بر تألیف پیشی گرفته است.»

وی اتحاد همگانی بین تمام اعضای این صنعت را یکی از راهکارها برای حل مشکل تألیف دانست و گفت: «مؤلفان دست به قلم شوند و با هوش و توان بیشتری بنویسند و ناشران با نگاه فرهنگی، نه صرفاً اقتصادی به تشویق مؤلفان برای تولید آثار مثبت بپردازند باید در نظر گرفتن سرمایه بیشتر برای تالیف که موضوعی ملی است، به این امر کمک کنیم. به لطف خدا در حال حاضر ادبیات کودک و نوجوان ما جزو سالم‌ترین بخش‌های ادبی و فرهنگی است و آثار منتشره معمولاً در پالایش، روانی متن و مناسب‌نویسی همراه است و تصویرگران کارهای قابل قبولی ارائه می‌کنند و ناشران هم عموماً ناشران کاربلد و متخصص هستند و جزو بهترین و پاک‌ترین بخش‌های فرهنگی ما همین ادبیات کودک و نوجوان است. این که ما ضعف‌ها را بیان کردیم، به معنای ندیده گرفتن بخش‌های مثبت نیست، ولی هنوز جای کار بیشتر

حجوانی:
فراز و نشیب‌های شعر،
دستوری نیست و با
ظهور و افول شاعران
اتفاق می‌افتد، ولی
دست کم با نگاه جدید
و آزادتر و با مخاطب
شناسی به صورت
غیررسمی و مردمی،
برگزاری جلسات نقد
و بررسی شعر، درک
متقابل نسل‌ها و با نقد
مکتوب و با اصالت
بخشیدن به زیبایی
در مقابل آموزش و
آموختن از تجربه‌های
تاریخی دیگر کشورها،
مطمئنانه شاهد تحولات
بهتری در زمینه شعر
کودک خواهیم بود.

برای آفرینش آثار بهتر هست و ما به عنوان مسئولان اجرایی، آمادگی هر گونه حمایت از طرح‌ها و برنامه‌ها را داریم و من امیدوارم در دور جدید فعالیت هیأت نظارت بر فعالیت نشر کتاب کودک، آسیب‌شناسی این بخش هم در دستور کار قرار بگیرد و با به‌کارگیری دیدگاه کارشناسان، به بهبود ادبیات کودک کمک شود و بکوشیم ادبیات نوجوان را در خارج از مرزها هم معرفی کنیم.»



سپس مهدی حجوی، کارشناس، نویسنده و منتقد ادبی درباره شعر کودک و نوجوان و وضعیت کنونی آن گفت: «با یک سوال شروع می‌کنم که فراز و نشیب‌های شعر کودک در این دهه‌های اخیر چه بوده است؟ تا با ریشه‌یابی آن، آینده شعر کودک را پیش‌بینی کنیم. در دهه شصت، شعر کودک وارد حرکتی نو شد و نگاه شاعران از روزن چشم کودک بود و نگاه به دنیای اطراف، دیگر از نگاه یک کارشناس تعلیم و تربیت و یک سیاستمدار دنبال نشد و شاعرانی شروع به کار کردند که کارشان به‌صورت تخصصی و نه تفریحی، کار برای کودکان بود. بعد مضامین جدیدی از سوی شاعران مطرح شد که پیش از آن سابقه نداشت. این مضامین جدید، در کنار جوان بودن خود شاعران، به لحاظ کم‌تر بودن فاصله سنی ایشان با گروه مخاطب، به سرودن اشعار مناسبی کمک کرد که در آثار محمود کیانوش، کاملاً این نکته‌ها دیده می‌شود. حقیقتاً در این سال‌ها جهش‌های بزرگی در شعر کودک ایجاد شده است.»



وی ادامه داد: «مقصود تقسیم‌بندی سیاسی دوران قبل و بعد از انقلاب نیست و درست نیست که تحولات ادبی را همگام با تحولات سیاسی بررسی کنیم. ولی از خارج ادبیات که نگاه می‌کنیم، یک ارتباطی بین تحولات ادبی و تحولات اجتماعی و سیاسی بوده است. زیرا قبل از هر تحول سیاسی و اجتماعی، شاعر و نویسنده به سمت ثبت حماسه‌ها گرایش داشته است و رابطه شعر با ثبت حماسه خیلی بیشتر از داستان است. در دهه هفتاد، شعر کودک با افت مواجه شد و علت آن هم فاصله گرفتن شاعران قدیم، با نسل جدیدی بود که به میدان آمدند. شاعران قبلاً برای کسانی شعر می‌گفتند که همانند بچه‌هایشان بودند و بعد مواجه شدند با مخاطبانی که جای نوه‌های آن‌ها هستند و نوه‌ها خیلی با بچه‌ها فرق دارند و با تغییر نسل‌ها ما با پیچیدگی‌های بیشتری در مخاطبان مان رو به رو شدیم. یاد می‌آید در جلسه‌ای با شاعر خوب کودک، شکوه قاسم نیا همراه بودیم که به نوعی درد دل هنری کرد و گفت: با دخترم از دکه روزنامه فروشی رد می‌شدم که او دستم را کشید و اصرار کرد حتماً برایش از کتاب‌های داخل کیوسک خریداری کنم و من هر چه به او گفتم من این‌همه شعرهای خوب برایت خواندم و تو نام بسیاری از ایشان را می‌شناسی، ولی قانع نشد و اصرار کرد که من از همین کتاب‌ها می‌خواهم!»



حجویان تجدید نظر در شیوه‌های سنتی شاعران و نویسندگان را برای برآوردن خواسته‌های کودک امروز، الزامی دانست و افزود: «این نکته بسیار حائز اهمیت است که بچه‌ها واقعا به رنگ و طراحی جلد اهمیت می‌دهند و شاید وقت آن باشد ما اهالی شعر و داستان هم قدری در شیوه‌های مان تجدید نظر کنیم. من با ناشری صحبت می‌کردم که می‌گفت اشعار فلان شاعر کودک در انبارش مانده و فروش نمی‌رود. من به ایشان گفتم که «اگر تو زمانی ناشر برگزیده شدی و به تو توجه شده، شاید به دلیل همین کتاب‌هایی است که در انبار تو مانده. شک نکن که این کتاب‌ها با ارزش هستند و تو باید راهی پیدا کنی که آن‌ها را به فروش برسانی». من با ناشر این حرف‌ها را زدم، ولی با شمای نویسنده هم این حرف را دارم که ما کتاب نمی‌نویسیم که در انبار خاک بخورد. ما برای خودمان می‌توانیم شعر و داستان بنویسیم، ولی وقتی چاپ می‌شود، تبدیل به یک کالای صنعتی خواهد شد که تعریف خود را دارد. شاید این اتفاقات و افت نسبی شعر کودک در دهه هفتاد، باعث شد که شاهد گرایش جدیدی باشیم که در جریان آن برخی شاعران عقب نشینی هنری کردند و یا دچار نوعی واقع بینی شدند که با نگاه جدید به استقبال مخاطبان جدید بروند. این باعث شد شاعران خوبی که در گفتن شعر هنری امتحان خود را پس داده بودند، به این نتیجه برسند که قدری می‌توانند روی جلدشان را زیباتر کنند و این اتفاق افتاد و شاعران کارهایی کردند که قدری مورد توجه مخاطب باشد. اتفاقات دیگری هم به تدریج افتاد که اگر ادامه پیدا کند، می‌تواند شعر را از مشکلاتی که با آن همراه است، قدری رها سازد که یکی از آن‌ها شکستن قالب‌های

سنتی است. در ایران چون پیشینه شعر قدیمی و ریشه‌دار است، شکستن این سنت‌ها کار آسانی نیست. داستان به شکل امروزی بیشتر وارداتی و برگرفته از غرب است، ولی در زمینه شعر این اتفاق نیفتاد و این پیشینه مسلط امکان مقابله را گرفته است. البته من فکر می‌کنم در شعر بزرگسال، شکستن قالب‌ها شجاعانه‌تر بوده که به یاد نیما، بنیانگذار شعر نو می‌افتیم. اما در شعر کودک یکی از این را هم شکستن این قالب‌هاست و در پژوهشنامه ادبیات کودک هم اشاره کردیم



که شاعران، بیایید این وزن و قافیه را رها کنید و به دنبال قالب‌های جدید بگردید. در همین زمینه، کتابی به نام شعر در حاشیه، از علی‌اصغر سیدآبادی منتشر شد که کار محققانه و خوبی بود و این بحث را مطرح کرده بود که شعر کودک ایران هنوز ادامه دهنده سنت شعری شاعر بزرگ کیانوش است و اگرچه این یک پایه رسمی برای شعر کودک است، می‌توان آن را به هم زد و به قالب‌های جدید رسید. کتابی که اخیراً در قالب شعر سپید برای کودکان، به نام «بادکنک به شرط چاقو»، از علی‌اصغر سیدآبادی منتشر شده، به نظرم کار جدیدی است که باید منتظر شویم و نتایج آن را ببینیم.»

وی از ظهور نگاه‌های نو در عرصه مخاطب‌شناسی جدید استقبال کرد و چنین گفت: «کمی که جلوتر آمدیم، دیدیم این اتفاق غیر از تئوری در عمل هم رخ داد. شاعری مثل عرفان

نظر آهاری که خیلی از دید مخاطبان و از لحاظ استقبال آن‌ها مطرح است، به نوعی به پیوند زدن بین عشق آسمانی و زمینی پرداخت و نوعی آزادی بیشتر در مضامین طرح کرد و بیوک ملکی هم با کتاب «در پیاده رو» که به اعتراف منتقدین، عبور او از سایه کیانوش بود، کاری ماندنی انجام داد و اشعاری سرود که در حوزه شعر نوجوان بی سابقه بود.»
حجوانی با مقایسه تفاوت‌های کار در عرصه فعالیت ادبی کودکان با نوجوانان ادامه داد: «مشکلات ما هم به نظر من بیشتر در حوزه شعر نوجوان بوده است. در حوزه شعر کودک و خردسال، مشکلات کم‌تر است؛ چون شاعران به این مطلب توجه داشتند که دنیای خردسال با بازی، تخیل و موسیقی و ریتم بیشتر عجین است و کم‌تر کتاب آموزشی در این زمینه می‌بینیم و به نظرم داستان نوشتن هم برای گروه سنی نوجوان، کار بسیار پیچیده‌ای است. شناخت از مخاطب بسیار سخت است و دلیل آن هم این است که دوره نوجوانی اساساً دوره گذار است و با آدمی که از جایی به جای دیگری حرکت می‌کند، خیلی نمی‌توانید تعامل کنید. نوجوان موجودی است که می‌داند چه چیزی نمی‌خواهد، ولی نمی‌داند چه چیزی می‌خواهد و گاهی واقعیت را مطرح نمی‌کند. پس نوشتن برای این گروه واقعاً پیچیده است.»

این نویسنده سپس به بررسی اتفاقات جدید در عرصه شعر کودک پرداخت و اضافه کرد: «اخیراً هم پیشکسوتان شاعر کودک، خانه شعر کودک را تشکیل دادند که اتفاق بسیار خوبی است و حدود هفتاد به تعبیر ادبی «هیچانه» سرودند و این نشانگر حرکت جدید به سمت مخاطبانی است که خصوصیات خاص خودشان را دارند و با هر قالب و هر نوع نگاهی نمی‌توان برای آن‌ها شعر گفت. امیدواریم درهای خانه شعر روی جوانان هم باز شود و گسست بین نسلی که امکان وقوع دارد، پیش نیاید. یکی دیگر از اتفاقاتی که افتاد و باعث شد شعر کودک وارد جریان‌های جدید شود، ورود ترجمه‌های جدید بود و به نظر می‌آید که مخاطب محوری و مخاطب‌شناسی باید با تعریف و نگاه جدیدی صورت بگیرد و نه بر اساس نگاه آموزش و پرورش که یک نگاه خشک و رسمی است و بر اساس بایدهای ذهنی ما شکل گرفته، بلکه نگاه به مخاطب را باید طبیعی‌تر و از زاویه مردمی‌تر دنبال کرد تا بتوان با آن ارتباط برقرار کرد. نقطه مقابل مخاطب محوری، مخاطب‌گریزی است و شاعر و نویسنده به همان اندازه که مخاطب محور است، باید مخاطب‌گریز هم باشد. مسئله این است که آیا ما از لحظه خلق اثر صحبت می‌کنیم یا از لحظه فروش اثر و پیدا کردن خواننده برای اثر؟ من فکر می‌کنم در لحظه خلق اثر چیزی به نام نویسنده و شاعر کودک و نوجوان بی معنی است. شاعر باید این واژه کودک و نوجوان را از دوشش بردارد و در لحظه خلق اثر، فقط به اثرش فکر کند. حالا ممکن است این اثر اصلاً به درد بچه‌ها نخورد. در لحظه خلق اثر باید این آزادی مطلق به شاعر یا نویسنده داده شود تا درونیات خود را در قالب کلمات متجلی کند و بعد از خلق اثر، مسئله پیدا کردن مخاطب پیش می‌آید.»

حجوانی تأکید کرد: «در حال حاضر، نقد داستان در جامعه ما خیلی بیشتر از نقد شعر مطرح است و به جز خانه شعر کودک، نشنیده‌ام که در جایی شاعران دور هم جمع شوند و تجربه‌های جدید خود را مطرح کنند و به نظر می‌رسد که فاصله بین اهل شعر زیاد است و کم‌تر یکدیگر را می‌بینند.»

وی در خاتمه، توجه به زیبایی محوری را بر توجه به استفاده از نگاه‌های آموزشی در آثار کودک و نوجوان حائز اهمیت دانست و گفت: «اتفاقی که در ادبیات کودک ما باید بیش از گذشته شاهد آن باشیم، زیبایی محوری در مقابل آموزش و پرورش است. سایه سنگین آموزش و پرورش و این نگاهی که کودک را از ابتدا برای قبولی در کنکور تربیت می‌کنند، باید کمرنگ شود. به تعبیر بی‌بی‌سی، کنکور امنیت خانواده‌های ایرانی را بر هم زده است. در این فضا صحبت از ادبیاتی که

رحماندوست:

متأسفانه

ما با بازاری

طرف هستیم که

تولید شعر بسیار

هزینه‌برتر از تولید

داستان است؛

زیرا ناشر

به دنبال پرداخت

هزینه کمتر است

و در نتیجه تولید

ترجمه آسان‌تر

از تالیف است و

هم این‌که به دلایل

فرهنگی و اجتماعی،

هزینه کم‌تری دارد.

و وقتی به این‌جا

می‌رسیم، باید

به یک مثلث متحد از

ناشر و پدیدآورنده

و سیاست‌گذاران

فرهنگی برسیم تا

آن‌چه را که داریم،

از دست ندهیم و

به این بار فرهنگی

بیفزاییم.

به زیبایی، بازی و لذت کودک در آن در اولویت باشد، کار آسانی نیست؛ زیرا با وجود سایه تعلیم و تربیت و این که کودک مهره‌ای است که باید به یک شهروند خوب که الزاماً دکتر یا مهندس است، تبدیل شود، کاری عملاً سخت به نظر می‌آید.

در این فضا بیان اصالت زیبایی و ادبیات کودک کار آسانی نیست. پس گاهی ادبیات ما عبوس و تلخ می‌شود.»

وی غرب پژوهی را راهکاری برای به روز رسانی ادبیات کودک و نوجوان شمرد و گفت: «ما با مطالعه ادبیات غرب، به معنای غرب پژوهی، به راهی که غربی‌ها آن را طی کرده‌اند، به راحتی دسترسی پیدا خواهیم کرد و قادر خواهیم بود نقاط عطف و تحول را به شکل بومی به کار بگیریم. همان طور که می‌دانیم، ادبیات کودک در غرب از کلیسا آغاز و در قرن هجدهم گرایش جدیدی ایجاد شد و آن توجه به طبیعت کودک بود و این که حتی الامکان در ادبیات کودک باید قید و بند را رها کرد و به طبیعت بچه‌ها و آزادی آن‌ها توجه کرد. در زمینه داستان، در غرب، کتاب «آلیس در سرزمین عجایب» لوئیس کرول، اتفاق بزرگی بود و این در حالی بود که او چون خجالت می‌کشید که برای کودک نوشته است تا مدت‌ها اثر خود را مخفی می‌کرد. سرانجام، او که یک کشیش و استاد دانشگاه آکسفورد بود، با تغییر اسم و یک اسم مستعار، داستان را چاپ کرد! امروزه از کتاب‌های دیگر این استاد دانشگاه خبری نیست و دنیا او را با اسم مستعارش و به احترام آلیس در سرزمین عجایب می‌شناسد و این کتاب به پنجاه زبان ترجمه شد و یکی از پر خواننده‌ترین آثار غرب است. این اتفاق در قرن نوزدهم، با آثار ادوارد لیر در حوزه شعر افتاد و هیچانه‌های او، باعث ورود ادبیات غرب به عرصه جدیدی شد که در این مرحله کودک به عنوان کودک دیده شود؛ یعنی از زمانی ادبیات کودک در غرب تکان اساسی خورد که دوران کودکی به رسمیت شناخته شد و کودک دیگر یک آدم بزرگ کوچک نبود، بلکه آدمی مستقل محسوب شد. نتیجه این که فراز و نشیب‌های شعر، دستوری نیست و با ظهور و افول شاعران اتفاق می‌افتد، ولی دست کم با نگاه جدید و آزادتر و با مخاطب شناسی به صورت غیررسمی و مردمی، برگزاری جلسات نقد و بررسی شعر، درک متقابل نسل‌ها و با نقد مکتوب و با اصالت بخشیدن به زیبایی در مقابل آموزش و آموختن از تجربه‌های تاریخی دیگر کشورها، مطمئناً شاهد تحولات بهتری در زمینه شعر کودک خواهیم بود.»

مصطفی رحماندوست شاعر، نویسنده و کارشناس کودک و نوجوان نیز درباره رکود بازار چاپ و نشر شعر کودک در ایران اظهار داشت: «خیلی از دستورات عمل‌هایی که برای شاعران در جریان نقدها صادر می‌شود، کار را به جایی می‌رساند که حاصل آن مخاطب‌گریزی است و خود ناشران هم می‌دانند آثاری دارای مخاطبند که بیشتر دارای جنبه‌های آموزشی، دارای ادبیات نادرست و به تعبیر ما بازاری و عوام‌پسند است و گه گاه در این میان اتفاقاتی می‌افتد که از یک سو قادر به جذب مخاطب است و از سوی دیگر به عنوان یک اثر عوامانه و بازاری هم مطرح نیست.»

رحماندوست درباره عدم استقبال مخاطب از شعر کودک گفت: «یکی از داوران همین جشنواره سوم، درباره داوری آثار این جشنواره به من گفت که ترجمه آثار رسیده، به قدری مناسب و خوب بود که وی قادر به انتخاب نبوده است، ولی آثار تألیفی اصلاً مناسب نبودند. من پاسخ دادم مترجمان ما بعد از بیدایش خانه ترجمه، به این نتیجه رسیدند که بهترین آثار منتشره در اغلب کشورها، در ایران هم منتشر شود؛ یعنی ابتدا غربال‌گری کردند و حاصل آن بازار ترجمه امروز است.»

وی مقایسه تالیف و ترجمه را با یکدیگر امری غیر متجانس خواند و ادامه داد: «من اصلاً درست نمی‌دانم که حد تألیف کتاب کودک و نوجوان را که در ایران سابقه کمی دارد، با حد ترجمه بهترین آثار منتشره در تمام دنیا مقایسه کنم و باید توجه کرد که با حمایت از تألیف در سراسر دنیا، بعد از حدود بیست سال ما شاهد ظهور بهترین آثار تألیفی هستیم و از سوی دیگر، عدم توجه به تربیون بیرونی کتاب که همان قیمت و طراحی‌های جذاب جلد است، باعث شده که تألیف جایگاه مناسبی پیدا نکند که همان چیزی است که دختر قاسم نیا را به طرف کیوسک روزنامه فروشی جذب می‌کند و این دیگر در دست من شاعر و ناشر نیست. در مورد کتاب‌های پر فروش عرفان نظر آهاری هم به نظر من دو اتفاق افتاده که شامل محتوا و عرضه متفاوت است و منظوم از عرضه، ظاهر متفاوت کتاب است که در این‌جا تعامل متقابل نویسنده، تصویرگر و ناشر را می‌رساند. پس جاذبه اثر و تعامل آن با مخاطب بر عهده من مؤلف و شاعر است. نویسنده ما در حال حاضر قدرت تاریخی برابری با نویسنده و شاعری را که در کشوری زندگی می‌کند که پانصد سال است ادبیاتش نقد می‌شود، را ندارد. پس اگر در این فضا نویسنده‌ای کار مخاطب‌پسند ارائه کند و با استقبال مواجه شود، واقعاً کار شایسته‌ای ارائه داده است.»

رحماندوست با یادآوری اهمیت طراحی جلد، به عنوان وسیله‌ای برای معرفی کتاب به مخاطب در یک نگاه، اظهار داشت: «بخش مهم دیگر تربیون بیرونی و نماد خارجی کتاب است که ناشران اهمیت این بخش را بهتر می‌دانند و



این خلاف زمانی است که ما فکر می‌کردیم کتاب هر چه ارزان‌تر باشد، بهتر است. امروز شما ناشران به این نکته رسیده‌اید که هر چه کتاب جذاب‌تر و از لحاظ ظاهر مخاطب‌پسندتر باشد، حتی با وجود گرانی هم به راحتی فروش خواهد رفت.»

وی خاطر نشان کرد: «بحث دیگر حمایت از تولید داخلی است. در تمام دنیا قوانینی برای گران فروش رفتن آثار خارجی و حمایت و توجه به آثار داخلی وجود دارد، ولی در ایران با بی‌توجهی به قانون کپی‌رایت، کتاب را می‌گیریم و بعد از ترجمه و چاپ به فروش می‌رسانیم و بعد هم مقایسه می‌کنیم که حالا چرا ترجمه از تالیف پیشی گرفته است و که این بخش هم به حمایت سیاست‌گذاران فرهنگی محتاج است.»

وی با بیان انواع گونه‌های رایج شعر کودک و نوجوان و با تأکید بر همکاری تمام عوامل پدیدآورنده کتاب، به سخنان خود چنین پایان داد: «نمونه ظهور آثار شعر متفاوتی که در جامعه ما منتشر شده، دو گونه است؛ گونه اول آن اتفاقات جدیدی است که مثلاً با حضور شعر سپید و برای گریز از کیانوش زدگی افتاده است و این آثار در جامعه ما با مخاطب کمی هم رو به رو شده و در گونه دیگر که هم به مخاطب و اثر به طور همزمان توجه شده، نمونه‌هایی است که با تکیه بر ادبیات کلاسیک خودمان ظهور کرد و با قدمتی بیش از آن که نوگرا شود، جایگاه واقعی خود را پیدا کرد و از سوی دیگر ناظر بر مسائل روز بوده است. این گونه در آثاری مثل بازی با انگشت‌ها و ترانه‌های نوازش دیده می‌شود که به مثل‌ها و ضرب‌المثل‌های قدیمی بازگشت دارد و گویی این آثار ریشه در دل نسل‌های متفاوت دارد که به سراغ آن‌ها می‌روند.

به نظر من آموزش با وجود این‌که در ادبیات کودکان نفی می‌شود، ولی یک اصل است؛ زیرا ما با مخاطبی طرف هستیم که آموزش‌پذیر است و ما نیز موظفیم به او بیاموزیم و یکی از همین قالب‌های آموزشی همین شعر است و نتیجه می‌گیریم اگر شعر خوب منتشر شود و ناظر به محتوای مخاطب‌پسند روز باشد و دارای نوآوری در حدی باشد که ایجاد مخاطب‌گریزی نکند، شعر تأثیر خود را خواهد گذاشت. متأسفانه ما با بازاری طرف هستیم که تولید شعر بسیار هزینه‌بر تر از تولید داستان است؛ زیرا ناشر به دنبال پرداخت هزینه کم‌تر است و در نتیجه تولید ترجمه آسان‌تر از تالیف است و هم این‌که به دلایل فرهنگی و اجتماعی، هزینه کم‌تری دارد. و وقتی به این‌جا می‌رسیم، باید به یک مثلث متحد از ناشر و پدیدآورنده و سیاست‌گذاران فرهنگی برسیم تا آن‌چه را که داریم، از دست ندهیم و به این بار فرهنگی بیفزاییم.»

سپس نتیجه آرای هیأت داوران در سومین جشنواره کتاب‌های برتر کودک و نوجوان قرائت شد: داوران سومین دوره جشنواره «کتاب‌های برتر کودک و نوجوان»، به بررسی دقیق ۳۸۶ عنوان کتاب دریافت شده از ۲۵ ناشر عضو انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان پرداختند. این بررسی، از سه زاویه توجه به متن، تصویرگری، گرافیک و نیز مدیریت نشر در فرایند تولید کتاب صورت گرفت.

داوران جشنواره، متأسفانه هیچ یک از کتاب‌های رسیده را واجد شرایط انتخاب به عنوان «کتاب برتر» تشخیص ندادند.

هیأت داوران ۱۳ عنوان زیر را «کتاب‌های برگزیده» شناختند:

بخش کتاب‌های ادبی و داستانی:

- بزرگراه، سروده افسانه شعبان نژاد، تصویرگر: نازلی تحویلی، نشر: توکا
 - به قول پرستو، نویسنده: قیصر امین پور، تصویرگر: کبری ابراهیمی، نشر: افق
 - پسر کرم به دوش، نویسنده: نرگس آبیاری، تصویرگر: مهکامه شعبانی، نشر: افق
 - قرن، نویسنده: سارا سینگلتن، مترجم: مهرداد مهدویان، نشر: افق
 - من، زن بابا و دماغ بابام، نویسنده: محمدرضا شمس، تصویرگر: علی نامور، نشر: افق
 - جودی، نویسنده: مگان مک دونالد، مترجم: محبوبه نجف‌خانی، نشر: افق
 - قصه‌های شاهنامه (در ۳ جلد)، بازآفرینی: اتوسا صالحی، تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی، نشر: افق
 - سمک عیار، نویسنده: عدرا جوزدانی، تصویرگر: پژمان رحیمی زاده، نشر: پیدایش
 - کلیله و دمنه، نویسنده: داوود لطف‌اله، تصویرگر: پژمان رحیمی زاده، نشر: پیدایش
 - افسانه جن و پری، نویسنده: محمد رضا شمس، طراح جلد: پژمان رحیمی زاده، نشر: محراب قلم
- بخش کتاب‌های غیرداستانی (علمی و آموزشی):**



- اورنگامی، نویسنده: روح اله گیوه چی، تصویرگر: رویا استادپور، نشر: نغمه نواندیش
- فرهنگ فارسی بچه‌های امروز، نویسنده: مهدی ضرغامیان و مهناز عسگری، تصویرگر: امیر خالقی، مدیر هنری: بهزاد غریب پور. نشر: محراب قلم
- دایره المعارف علوم، ترجمه: زیر نظر امیر صالحی طالقانی، مدیر هنری: داوود ماه زاده، ویراستار: ساقی جهان‌شاه قاجار. ناشر: محراب قلم



کتاب‌های تشویقی:

بخش داستانی:

- الهی نامه، بازنویسی: فریبا کلهر، تصویرگر: بنفشه احمدزاده. نشر: پیدایش
- من موش بودم، نویسنده: فیلیپ پولمن، مترجم: شهره نورصالحی. نشر: پیدایش
- بازی‌ها جورواجورند، نویسنده: شکوه قاسم نیا، تصویرگر: علیرضا گلدوزیان. نشر: پیدایش
- گوزن سبز، نویسنده: محمد سعید میرزایی، تصویرگر: علیرضا گلدوزیان. نشر: پیدایش
- رویای لیل، نویسنده: پاول مار، مترجم: مسعود هجوانی. نشر: پیدایش
- هالینکا، نویسنده: میریام پرسلر، مترجم: مژگان کلهر. نشر: پیدایش
- افسون رنگ، نویسنده: جعفر تونزده جانی. نشر: پیدایش
- تصاویر هالیس وودز، نویسنده: پاتریسیا ریلی گیف، مترجم: شهلا انتظاریان. نشر: افق
- پرنیان و پسرک، نویسنده: لوئیس لوری، مترجم: کیوان عبیدی آشتیانی. نشر: افق
- مجموعه هنری زلزله، نویسنده: فرانچسکا سایمون، مترجم: آتوسا صالحی و مژگان کلهر. نشر: افق
- هفت قصه از بچه‌ها و حضرت علی، نویسنده: مصطفی رحماندوست، تصویرگر: سحر حقگو. نشر: افق
- میلیون‌ها، نویسنده: فرانک کاتریل بویس، مترجم: شهلا انتظاریان. نشر: افق
- قصه‌های خیلی قشنگ، نویسنده: محمود پوروهاب و مجید ملامحمدی، تصویرگر: حمیدرضا بیدقی. نشر: محراب قلم
- مجموعه آن شرلی، نویسنده: ال.ام. مونتگری، مترجم: سارا قدیانی. نشر: قدیانی



بخش غیر داستانی: (علمی و آموزشی)

- حواس پنجگانه، نویسنده: ماریا ریوس، مترجم: ملیحه اسماعیلی. نشر: تیمورزاده
- دایره المعارف و دانستنی‌های پایه، نویسنده: دینز شول، مترجم: مهناز عسگری. نشر: محراب قلم
- رایانه و فن آوری اطلاعات، نویسنده: آن روفی، مترجم: علیرضا ابراهیمی. نشر: پیدایش

اسامی ناشران برگزیده:

- اسدالله شعبانی، توکا
- رضا هاشمی نژاد، افق
- محسن طائب، پیدایش
- عبدالعظیم فریدون، محراب قلم
- نادر قدیانی، قدیانی
- خانم جدلی، نغمه نواندیش

جشنواره سوم، با تقدیر از چهار گروه داوری و ناشران برگزیده که اغلب‌شان نیز در این مراسم حضور داشتند، پایان یافت.
داوان بخش متن کتاب‌های غیر داستانی: حسن سالاری، معتمدی، محمد کرام الدینی، علی کاشفی خوانساری

داوران بخش تصویر: کاظم طلائی، کیانوش غریب پور، علیرضا گلدوزیان، کورش پارسانژاد
داوران بخش متن کتاب‌های داستانی: فریبا کلهر، هادی خورشاهیان، علی کاشفی خوانساری
داوران بخش مدیریت نشر: یحیی دهقانی، غلامرضا شاه آبادی، منصورجام شیر

